

بررسی تحقق دولت اسلامی مبتنی بر اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای  
( بر اساس مدل نظری اسپریگنز )  
غلامرضا ضابط پورکاری<sup>1</sup>

تاریخ پذیرش: 1400/10/06

تاریخ دریافت: 1400/05/02

چکیده:

پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ معاصر ایران است که هم از جهت مبارزات عملی و هم از جهت نظری اهمیت بسیار دارد. یکی از علمای طرفدار این انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای است که علاوه بر مبارزه عملی علیه حکومت طاغوت پهلوی، در باره انقلاب اسلامی نیز نظریه منسجمی ارائه کرده است. دیدگاه‌های سیاسی ایشان از جنبه‌های گوناگون بررسی و ارزیابی شده است، ولی در این پژوهش با استفاده از مدل نظری اسپریگنز، اندیشه سیاسی وی از منظر بحران در چهار مرحله، مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. جامعه متنی پژوهش شامل کلیه سخنرانی‌ها و مکتوبات ایشان در حوزه‌ی مورد مطالعه بوده است که از طریق بررسی کتابخانه‌ای و هم‌چنین مراجعه به سایت، دیدگاه‌های ایشان توصیف و تحلیل شده است. نوشتار حاضر در صدد پاسخ به این سوال اصلی است که بر اساس دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، راه حل تحقق دولت اسلامی چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد نسخه اصلی حل مشکلات اساسی کشور از منظر ایشان، تحقق «دولت جوان حزب‌اللهی» است. دولتی که کارگزاران مستقر در آن اعم از روسای قوا و وزرا و معاونان و سایر مدیران و کارگزاران، آماده و با نشاط، دارای بینش و منش اسلامی از جمله روحیه‌ی جهادی، تقوا، کارآمدی، عدالت‌خواهی، خدمت‌گزاری و ... باشند.

واژگان اصلی: آیت‌الله خامنه‌ای، اسپریگنز، دولت اسلامی، دولت جوان حزب‌اللهی

## مقدمه

**بیان مسأله:** انقلاب اسلامی ایران یکی از رخداد‌های بی‌نظیر دوران معاصر است که بررسی این پدیده و افراد موثر در آن، به ویژه اندیشه متفکران موثر در تبیین نظریه‌ی انقلاب اسلامی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. یکی از این اندیشمندان، آیت‌الله خامنه‌ای است که هم از نظر عملی و هم از حیث مباحث نظری نقش مهم و شاخصی در انقلاب اسلامی داشت. ایشان یکی از علما و فقهای بزرگ شیعه در عصر حاضر، ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی ایران است.

بدون تردید پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، بی‌اختیار فضای اجتماعی و سیاسی کشور را مهیای تشکیل یک دولت اسلامی کرد. دولتی که مقدمه‌ی ایجاد جامعه‌ی اسلامی است. اما در مسیر تحقق آن، افت‌وخیزهای فراوانی وجود داشته است. هر چند دولت اسلامی هنوز جایگاه درخور توجهی پیدا نکرده و بیش‌تر شبیه یک آرمان نظری است ولی از همان عنوان انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اهداف اصلی حرکت اسلامی ملت ایران مطرح شد و تشکیل این الگوی آرمانی از دولت، مقدمه‌ای بر شکل‌گیری بطنی "جامعه‌ی اسلامی" قلمداد می‌شد. به تعبیر رهبر فرزانه‌ی انقلاب: «از همان اوان کار، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد. بعضی‌ها می‌گویند شما بعد از 27 سال می‌خواهید دولت اسلامی تشکیل دهید؟ نه؛ تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ متها افت‌وخیز داشته؛ پیش‌رفت و عقب‌گرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه‌ای موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پای‌مان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردد شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دل‌بسته رفتارهای طاغوتی شدیم.» (خامنه‌ای، 1384/6/8) در حقیقت، حیات اجتماعی مؤمنانه در گرو مهندسی دولت اسلامی - ایرانی است. دولتی که بتواند در مناسبات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، بُن‌مایه‌های اسلامی را وارد نماید.

از آن جایی که طبق بیانات رهبر حکیم انقلاب، جمهوری اسلامی ایران در مرحله دولت‌سازی متوقف شده است، می‌توان گفت گفتمان‌های دولت در نظام جمهوری اسلامی ایران، هیچ‌گاه به‌طور کامل با گفتمان اصیل انقلاب اسلامی منطبق نبوده است، بلکه به صورت حداقلی و بعضاً کاریکاتوری موضوعات انقلاب اسلامی را نمایندگی کرده‌اند. ضعف‌های اندیشه‌ای و اجرایی دولت، به مرور زمان، سبب ایجاد خلل در کارآمدی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظام شده‌اند. از این روی، پرسش نوشتار حاضر، این است که راه حل تحقق دولت اسلامی چیست؟

به نظر می‌رسد رهبر معظم انقلاب اسلامی، تنها نسخه حل مشکلات اساسی کشور و عبور از مرحله

دولت سازی را تشکیل یک دولت با شاخص های اصیل گفتمان انقلابی و به عبارت بهتر، روی کار آمدن دولت جوان حزب اللهی می دانند و از آنجایی که «دولت جوان حزب اللهی» اصطلاحی مرکب از واژه دولت و ترکیب و تلفیق آن با «جوان حزب اللهی» است، پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که پسوند «جوان حزب اللهی» در این ترکیب دقیقاً چه مضمونی را افاده می کند و ترکیب «جوان حزب اللهی» به چه معناست؟ پژوهش حاضر، بر آن است تا با به کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نظریه بحران اسپریگنز، به بررسی اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای از منظر چگونگی تحقق دولت اسلامی بپردازد. پیشینه پژوهش: پژوهش گران تاکنون از جهات مختلف به بررسی و شرح اندیشه های آیت الله خامنه ای پرداخته اند: معاونت پژوهش و آموزش موسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، (1400) مفهوم و ویژگی های دولت جوان حزب اللهی را با محور قرار دادن دولت به معنای خاص بررسی کرده است. خدیجه محمدی مزرعی و مهدی نادری، ضرورت شکل گیری دولت اسلامی در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی (1397) را واکاوی قرار داده اند. در پژوهش های انجام شده، به این موضوع که راهکار تجویزی رهبر حکیم انقلاب برای تحقق دولت اسلامی، تحقق دولت جوان حزب اللهی است یا اشاره نشده و یا به طور گذرا و ناقص مطالبی در این رابطه بیان شده و حق مطلب از این جنبه، ادا نشده است. در حالی که در پژوهش حاضر، ضمن توجه به دلایل عدم تحقق دولت اسلامی تاکنون، به سیمای دولت جوان حزب-اللهی با محور قرار دادن دولت به معنای عام توجه کافی شده است.

## 2. چارچوب نظری

### 2-1. نظریه بحران اسپریگنز

در پژوهش حاضر، برای فهم اندیشه آیت الله خامنه ای، از الگوی توماس اسپریگنز تحت عنوان نظریه بحران، استفاده شده است. این نظریه، روشی برای فهم نظریه های سیاسی است و به کمک آن می توان منطق درونی هر نوع نظریه پردازی را، کشف نمود. با این نظریه بهتر می توان به پیچیدگی اندیشه سیاسی پی برد. (رجائی، 1389: 13 و 10)

نظریه بحران اسپریگنز چهار مرحله دارد:

مرحله اول، مشاهده بی نظمی است. در این مرحله، متفکر با مشاهده ی مشکلات آشکار و گاه غیر آشکار، از چارچوب محیطی اطراف خود فراتر می رود و با تعمق تیزبینانه در صدد درک بحران های جامعه بر می آید.

(رجائی، 1389: 59-66)

مرحله دوم، علل بی نظمی مشخص می شود. در این مرحله متفکر به دنبال این سوال است که «اگر اوضاع

نامرتب است دلایل آن چیست؟ (رجایی، 1389: 94-91)

مرحله سوم، تصویری از جامعه احیا شده یا بازسازی جامعه ارائه می‌شود. در این مرحله، متفکر ضمن نگاه سلبی به وضعیت بحرانی حاضر، باید با نگاه ایجابی، نظام سیاسی آرمان‌گونه خود را ترسیم کند. بحران‌ها، متفکر را وادار می‌کند که در فکر خود به بازسازی نظام سیاسی جدید پردازد. در واقع، جامعه منظمی که نظریه پرداز در گفتمان خود ارائه می‌کند، تصویر نظم یافته و سالم از جامعه بیماری است که او تجربه کرده است. (رجایی، 1389: 141)

در مرحله چهارم، متفکر با نگاه به بحران موجود و آرمان وضع مطلوب، راهکاری را تجویز می‌کند. از منظر اسپریگنز تجویزهای نظریات سیاسی تا حد زیادی به نسخه پزشک شباهت دارد که آن‌ها مثل دستورات پزشک متضمن نوع خاصی از اجبارند. (رجایی، 1389: 121)

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت نظریه بحران از توانایی بررسی و تحلیل اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای در تحقق دولت اسلامی برخوردار است؛ زیرا اولاً در این زمان، بحرانی اساسی به نام عدم تحقق دولت اسلامی، وجود داشته و مقام رهبری آن را بحران زمانه تشخیص داده؛ ثانیاً نظریه‌ای در پاسخ به آن بحران ارائه کرده است. ثالثاً؛ اندیشه سیاسی منسجمی دارد و هدف مشخصی را دنبال می‌کند.

## 2-2. تعریف دولت

پاسخ سؤال «دولت چیست؟» به این مسأله باز می‌گردد که اساساً ربط مفهومی دولت با دیگر مفاهیم سیاسی، مثل حاکمیت<sup>1</sup>، حکومت<sup>2</sup>، جامعه<sup>3</sup>، اجتماع<sup>4</sup> و عامه مردم<sup>5</sup> چگونه است. بر اساس نوع روابطی که میان این مفاهیم فرض می‌شود، تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی راجع به دولت شکل گرفته است. (شجاعی زند، 1376: 43)

می‌توان دو گونه تعریف از دولت ارائه داد؛ دولت خاص و دولت عام. دولت در زبان عامه‌ی مردم به معنای «هیات دولت»، «کابینه» یا «تشکیلات و اداره‌های دولتی» است. اما مفهوم دولت در علم سیاست و روابط بین‌الملل، معنایی فراتر از آنچه گذشت، دارد. دولت، بزرگ‌ترین سازمان‌بندی گروه انسانی است؛ قدرت سیاسی در آن به جریان می‌افتد و عالی‌ترین تجلی قدرت نیز نام گرفته است. و عبارت دیگر و بهتر

1 . Sovereignty  
2 . Government  
3 . Society  
4 . Community  
5 . Public

دولت به معنای عام آن، به معنای کل ساختار و عوامل حکومت، اعم از رهبری و سایر مسئولان حکومتی است. نکته حائز اهمیت در مورد کاربرد واژه‌ی «دولت» در بیانات رهبری این است که اگر دولت در مقابل نظام و به عنوان مفهومی مستقل از نظام به کار رود - چنانچه ایشان در ضمن بیان مراحل پنج گانه‌ی نظام اسلامی، مفهوم دولت اسلامی را مستقل از نظام به کار برده‌اند- در این صورت واژه‌ی دولت دلالتی بر ساختار و نظام سیاسی ندارد و مراد از آن، صرفاً مجریان و عوامل آن هستند. اما در سایر موارد، معمولاً واژه‌ی دولت، هم بر ساختار و هم بر عوامل آن دلالت دارد که همان مفهوم دستگاه حکومت یا دستگاه اجرایی است. در اندیشه آیه الله خامنه‌ای، دولت اسلامی از معنا و مفهوم خاصی برخوردار است. ایشان دولت را شامل مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی می‌داند: «دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است، نه فقط قوه مجریه؛ یعنی حکومتگران و خدمت‌گزاران عمومی» (خامنه‌ای، 1384/6/8)

ایشان در جای دیگری ایجاد دولت اسلامی را در نسبت با ایجاد جامعه اسلامی تعریف می‌کنند و می‌فرمایند: «دولت اسلامی؛ یعنی سازوکارها و نهادهای لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی» (خامنه‌ای، 1390/7/24)؛ چنان که می‌بینیم در اندیشه ایشان، دولت اسلامی مرحله‌ای بالاتر از شکل‌گیری نهادها و ارکان رسمی حکومت بوده و در واقع به انطباق محتوای نظام و جهت‌گیری و رفتار کارگزاران آن با ملاک‌ها و معیارهای اسلامی برمی‌گردد.

### 2-3. دولت اسلامی، حلقه واسط انقلاب اسلامی و تمدن اسلامی

برای رسیدن به تمدن اسلامی، پس از تشکیل نظام اسلامی باید دولت اسلامی محقق شود؛ در سایه‌سار دولت اسلامی، جامعه اسلامی پدید می‌آید و با الگو شدن جامعه اسلامی، تمدن بزرگ اسلامی، شکل خواهد گرفت. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

« یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است» (خامنه‌ای، 1390/7/24)

« امروز هم که بحمدالله نظام اسلامی به وجود آمده، تشکیل شده، ما منتظریم که دولت اسلامی به معنای واقعی و سپس جامعه‌ی اسلامی به معنای واقعی و سپس تمدن اسلامی به معنای حقیقی به وجود بیاید.» (خامنه‌ای، 1398/2/18)

فرآیند تحقق اهداف اسلامی بس طولانی و دشوار است؛ و شاید بتوان گفت انقلاب و برچیدن نظام

طاغوت، ساده‌ترین قسمت این فرآیند به شمار می‌رود. بنا به فرموده مقام معظم رهبری، «فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آن‌ها، بسیار طولانی است. قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است. (خامنه‌ای، 1380/9/21)

### 3. بررسی تحقق دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس نظریه اسپریگنز

در این پژوهش مراحل اول و دوم نظریه بحران در بخش اول با عنوان «نسبت بحران زمانه با اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای» طرح می‌گردد و مراحل سوم و چهارم نظریه بحران در بخش دوم با عنوان «برون‌رفت از بحران در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» بیان می‌شود.

#### 3-1-1. نسبت بحران زمانه با اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

نظریه‌پردازان بزرگ به این دلیل همیشه مهم هستند که آن‌ها مسائل همیشگی را خوب بررسی می‌کنند. یکی از این نظریه‌پردازان بزرگ، آیت‌الله خامنه‌ای است. وی از معدود عالمان دینی است که مستقیماً در امر سیاست و تدبیر امور جامعه وارد شده و در باره حکومت و ابعاد آن نظریه‌پردازی منسجمی انجام داده و نقش تاثیرگذاری در انقلاب اسلامی ایران داشته است.

#### 3-1-1-1. مرحله اول: مشاهده و شناخت بحران جامعه از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

اغلب بحران امروز کشور، ناشی از تردیدهای گذشته و حال ما در تحقق مفهوم دولت اسلامی است. از ریشه کاوی دولت اسلامی در تاریخ ایران، رگه‌هایی هر چند کم عیار در دوره‌ی صفویه به دست می‌آید. در این سلسله‌ی پادشاهی اگرچه به طور رسمی عنوانی از ولایت فقیه و یا دولت اسلامی وجود ندارد، اما حضور پررنگ شیخ الاسلام‌ها و علما در تسهیل کارکردهای دولت قابل رویت است. در این دوره رابطه‌ی روحانیت در تعامل مستقیم با حکومت و ساختار قدرت یک رابطه کارکردی است؛ چرا که برای اولین بار پس از حکومت حضرت علی (ع) روحانیون شیعه می‌توانند در عالی‌ترین سطوح مملکتی حضوری پررنگ داشته باشند. شاه طهماسب امور کشور را به اختیار محقق کرکی درآورد و به تمام شهرهای قلمرو خود نامه فرستاد تا از فرمان او اطاعت کنند و بدانند که پایه مملکت و کشور داری به عهده اوست، زیرا نائب امام است و امور محوّل به امام زیر نظر او اداره خواهد شد. شاه طهماسب در یکی از دیدارهایش با وی گفته بود: «فرمانروا تو هستی و من یکی از کارگزاران تو می‌باشم» (غفاری قزوینی، 1396: 285) طهماسب اول منصب «صدر» را که بالاترین مقام دربار بود به علما واگذار کرد. (میراحمدی، 1363: 54)

در اواخر دورهی قاجاریه خصوصاً دوران صدارت امیرکبیر و سپس مشروطه به یکباره دولت‌سازی اسلامی متوقف می‌شود و به موازات آن نوعی دولت‌سازی شبه مدرن در ایران پا می‌گیرد. این دولت‌سازی، نوعی غربی‌سازی بر یک بستر معرفتی ایرانی - مذهبی است. محصول این فرایند، دیکتاتوری رضاخان و فساد محمدرضا پهلوی بود.

در واقع مسیر انحرافی دولت‌سازی مدرن که در نقطه‌ی عطف مشروعیته راهگشا شد، فرآیند دولت‌سازی اسلامی را در ایران حداقل دو قرن به عقب انداخت. انقلاب اسلامی در حقیقت، واکنشی مردمی به فرآیند دولت‌سازی شبه مدرن در ایران بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی بار دیگر تحقق عینی و صواب دولت اسلامی مورد التفات نخبگان و مردم قرار گرفت.

بنابراین، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی از همان ابتدای انقلاب اسلامی آغاز شد؛ ولی با درگیر شدن کشور به هشت سال دفاع مقدس و ناآرامی‌های داخلی، تا حدی موفق بوده است و پس از دوران دفاع مقدس نیز کشور با افت‌وخیزهای سیاسی و اجتماعی که با آن روبرو شد، تشکیل دولت اسلامی با کندی حرکت کرد و به تعبیر مقام معظم رهبری هنوز دولت اسلامی تشکیل نشده و کسی نمی‌تواند ادعا کند که دولت به معنای حقیقی، اسلامی است. مسئولان باید خودشان را با شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق دهند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقص‌اند خودشان را به سمت کمال حرکت دهند و پیش ببرند. ... نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (خامنه‌ای، 1379/9/12)

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ما در کدام مرحله‌ایم؟ ما در مرحله‌ی سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است. ما یک نظام اسلامی را طراحی و پایه‌ریزی کردیم - «ما»، یعنی همان‌هایی که کردند - و الان یک نظام اسلامی داریم که اصولش هم مشخص و مبنای حکومت در آن‌جا معلوم است. مشخص است که مسئولان چگونه باید باشند. قوای سه‌گانه وظایفشان معین است. وظایفی که دولت‌ها دارند، مشخص و معلوم است؛ اما نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم. (خامنه‌ای، 1379/9/12)

«ما جامعه اسلامی نداریم، ما دولت اسلامی هم نداریم! از آن مراحل چندگانه‌ای که ما مطرح کردیم، هنوز در دولت اسلامی‌اش مانده‌ایم، بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه اسلامی است، ما این مراحل را در پیش داریم.» (خامنه‌ای، 1396/6/6)

آیت‌الله خامنه‌ای تاکید کردند: تا وقتی که «تشکیل دولت اسلامی» به طور کامل محقق نشده است، نوبت به تشکیل جامعه اسلامی نمی‌رسد و در این صورت، موضوع سبک زندگی اسلامی نیز صرفاً در سطح گفتمان‌سازی در جامعه باقی خواهد ماند.» (خامنه‌ای، 1395/2/6) و به عبارت دیگر رشد و تعالی جامعه و پیشرفت کشور در ابعاد مختلف مادی و معنوی به وجود نخواهد آمد. اگر دولت اسلامی تشکیل نشود، انتظار تمدن اسلامی را هم نباید داشته باشیم.

با نگاه به منظومه‌ی فکری آیت‌الله خامنه‌ای، مشخص می‌شود در صورتی که دولت، اسلامی و هم‌راستا با مبانی مکتبی و انقلابی باشد، شرایط کشور در حوزه‌های گوناگون رو به بهبودی خواهد رفت و تمام برنامه‌ها و اهداف آن دولت در حوزه‌های روبنایی جامعه مثل اقتصاد تحقق می‌پذیرد؛ اما در صورت روی کار آمدن دولتی با ویژگی‌های غیرمکتبی شکل بگیرد، تعارض نظری در نوع نگاه به مسائل انقلاب اسلامی، کشور را به بن‌بست می‌کشاند و نمی‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور دهد.

### 2-1-3. مرحله دوم: تشخیص درد و بیان علل بحران جامعه

همان طوری که بیان شد با پیروزی انقلاب اسلامی که با پرداخت هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری صورت گرفت، مرحله اول طی شد. مرحله دوم؛ یعنی تأسیس نظام جمهوری اسلامی با ترکیب دو عنصر جمهوریت و اسلامیت هم اگرچه مرحله دشواری بود، طی شد و پس از آن وارد مرحله دولت‌سازی شدیم. اکنون با گذشت بیش از چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی هنوز در مرحله دولت اسلامی توقف کرده‌ایم.

گام سوم حرکت تکاملی انقلاب که تشکیل دولت اسلامی باشد، همچون مراحل پیشین با آسیب‌ها و تهدیداتی مواجه است که گذر از این مرحله بدون شناخت دقیق آن‌ها میسر نخواهد بود. در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، دولت اسلامی دو دسته دشمن دارد: یک دسته دشمنان شناخته شده هستند. همه سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی‌اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است. کسانی هستند که به دین یا به ورود دین در عرصه زندگی معتقد نیستند - به اصطلاح سکولارها - این‌ها هم با دولت اسلامی مخالفند؛ می‌گویند اقتصاد باید از دین جدا باشد، سیاست از دین جدا باشد، زندگی اجتماعی از دین جدا باشد، تحرکات و نشاط‌های مردمی عمومی از دین جدا باشد. مخالفت‌ها هم در طیف وسیعی انجام می‌گیرد؛ از مخالف بودن، تا مخالفت کردن، تا معارضه‌های جدی کردن. مترفین بین‌المللی - یعنی ثروتمندان عظیم جهانی که نفت و منابع عمده‌ی جهانی را در اختیار خودشان می‌خواهند و برای این کار دارند حداکثر تلاش علمی و عملی را می‌کنند - اینها هم جزء دشمنان



بیرونی دولت اسلامی‌اند. گفتیم دشمن‌ها لزوماً دشمنی نمی‌کنند؛ بعضی از آنها دشمنند، بعضی دشمنی کردنشان به صورت مخالفت و اعتراض است، بعضی وارد میدان می‌شوند و گلاویز می‌شوند. بنابراین دشمنی، انواعی دارد و باید با هر کدام به نحوی برخورد کرد.

دسته دوم دشمنان درونی هستند؛ یعنی آفت‌ها، بیماری‌ها و میکروب‌ها. مرگ ما بیش از آنچه ناشی از این باشد که دیگری بیاید ما را بکشد، ناشی از این است که در درون خودمان اختلافی به وجود می‌آید. غالباً مرگ‌های ما ناشی از ویروس، میکروب، بیماری و سلول عاصی است که سرطان درست می‌کند؛ کم‌تر ناشی از این است که کسی بیاید آدم را بکشد. دولت اسلامی هم همین‌طور است؛ باید مواظب دشمن‌های درونی‌اش باشد؛ این‌ها آفت‌هایش است (خامنه‌ای، 1384/6/8)

مهم‌ترین آسیب‌های درونی تحقق دولت اسلامی را مبتنی بر کلام حکیم انقلاب اسلامی می‌توان چنین فهرست کرد:

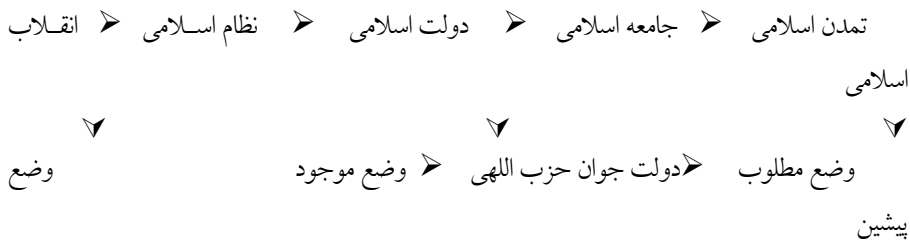
1. هوی و هوس‌پرستی، (1379/9/12) 2. آرزوهای طولانی، (1379/9/12) 3. سستی ایمان انقلابی، (1380/8/12) 4. انفعال و خودباختگی، (1376/3/14) 5. ارتجاع، (1373/10/15) 6. فرم‌گرایی و ظاهرینی بدون توجه به محتوا، (1384/6/8) 7. کج فهمی و جمود و تحجر، (1376/3/14) 8. نیاززدگی، (1380/8/12) 9. اشرافی‌گری، (1380/6/5) 10. خطر نفوذ دشمن، (1381/3/14) 11. نفوذ صاحبان ثروت و قدرت در ارکان نظام، (1381/4/5) 12. قرار گرفتن افراد بی‌اعتقاد به آرمان‌های نظام در جایگاه مسئولیت، (1380/8/8) 13. اختلاف و دودستگی در جامعه، (1380/9/21) 14. دعوای و اختلافات سیاسی، (1384/3/25) 15. القای صف بندی‌ها و تقسیم بندی‌های کاذب، (1381/9/1) 16. همکاری نکردن بخش‌های مختلف نظام، (1384/6/8) 17. فراموشی اهداف و آرمان‌های انقلاب، (1384/6/8) 18. بی‌توجهی به مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، (1381/4/26) 19. عدم پاسخگویی، (1383/1/2) 20. نشناختن مشکلات مردم. (1382/7/21)

### 2-3. برون‌رفت از بحران در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

#### 1-2-3. تصویر جامعه احیا شده از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای: مرحله سوم

یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، که این انقلاب را شایسته نگاه تمدنی می‌سازد، پیوستگی است که این انقلاب، میان گذشته تمدنی تاریخ اسلامی و تمدن آینده اسلامی ایجاد کرده است. در حقیقت این انقلاب می‌خواهد گذشته، حال و آینده را به هم وصل کند. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی عامل مهم

تجدید حیات تمدن اسلامی محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری بارها و در موقعیت‌های مختلف ضمن تأکید بر این که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است بر این باورند که تحقق این تمدن اسلامی نیازمند عبور از یک زنجیره‌ی منطقی است و این زنجیره منطقی مستلزم سپری شدن 5 مرحله است:



1. مرحله انقلاب اسلامی؛ این مرحله که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی ضمن سختی‌ها آسان‌ترین مرحله است، تغییر ارزش‌ها، عبودیت خدا، کار برای خدا، دنیاشناسی، پیشرفت و تعالی در محور حرکت انقلابی ملت مسلمان ایران بود.

هدف انقلاب آماده سازی محیط برای ایجاد نظام جدید، تغییر ارزش‌ها، اصلاح مفاسد، محور شدن عدالت، استقرار شریعت اسلامی، رفع سلطه بیگانه، ایجاد نظام بر اساس اندیشه و تفکر اسلام بوده است. «منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه ی اول است - حرکت انقلابی است؛ و آلا به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل می‌شود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی؛ یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع راه، نظام قدیمی راه، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می‌کند. (خامنه‌ای، 1390/7/24).

2. مرحله تشکیل نظام اسلامی؛ حلقه پس از حرکت انقلابی و پیروزی ملت ایران بر رژیم طاغوت، شکل‌گیری نظام اسلامی مورد توجه بود به این معنا که پس از پیروزی، نظامی اسلامی در کشور برپا شود، به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی هندسه عمومی جامعه اسلامی شود.

در نظام اسلامی، (مردم‌سالاری دینی)، مردم انتخاب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله متخبان خودشان در اختیار دارند اما این خواست و انتخاب در سایه هدایت الهی، هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود.

«حلقه‌ی بعد، نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از نظام اسلامی؛ یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب می‌کنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش‌های اسلامی همراه است. ما از این حلقه هم عبور کردیم.» (خامنه‌ای، 1390/7/24).

3. ایجاد دولت اسلامی؛ مرحله سوم ایجاد دولت اسلامی است، به گونه‌ای که منش و روش دولت‌مردان و ساز و کارها و نهادسازی برای اداره کشور مبتنی بر اسلام آماده شود.

مقام معظم رهبری دولت اسلامی را، مجموعه‌ای از همه‌ی کارگزاران کشور دانسته و آن را منحصر در قوه‌ی مجریه نمی‌داند. «منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیان‌های اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند، بلکه همه کارگزاران نظام اسلامی را شامل می‌شود.» (خامنه‌ای، 1390/7/24).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی که با همت و هوشیاری امام راحل و مردم صورت گرفت، تشکیل دولت اسلامی به عنوان زمینه‌ساز شکل‌گیری کشور اسلامی، همواره مورد نظر مسئولان نظام بوده است و گام‌هایی در این راه برداشته شده است. ایشان تحقق دولت اسلامی را امری محتوایی و منوط به انطباق جهت‌گیری و عمل کارگزاران نظام با مبانی اسلام و اهداف انقلاب برمی‌شمارند.

4. شکل‌گیری جامعه و کشور اسلامی؛ مرحله چهارم شکل‌گیری جامعه و کشور اسلامی است به گونه‌ای که مقررات و روابط مسئولان و مردم، به معنای واقعی کلمه، اسلامی شود و کشور نمونه‌ای بر اساس آموزه‌های اسلامی ساخته شود.

«اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، عدالت مستقر خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه کن می‌شود، عزت حقیقی برای مردم بوجود می‌آید، جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند، این می‌شود کشور اسلامی.» (خامنه‌ای، 1379/9/12).

5. تشکیل امت اسلامی و تمدن اسلامی؛ مرحله پنجم شکل‌گیری امت اسلامی و تمدن بین‌المللی اسلامی است. جهت و رویکرد کلی انقلاب تحقق تمدن اسلامی است. با وجود آمدن جامعه اسلامی و کشور اسلامی زمینه برای ایجاد امت اسلامی فراهم می‌شود. از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی عوامل تشکیل

دهنده تمدن اسلامی ایمان به خدا و احکام الهی، اخلاص، تقوای فردی و اجتماعی امت اسلامی و... است. آیت‌الله خامنه‌ای، مبنای تمدن اسلامی را در راستای مقیاس جهانی انقلاب اسلامی تحلیل کرده است. « برای این ملت، قضیه‌ی بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید یک قضیه جدی است. آن را جدی بگیرید. یک وقت در کشوری، یکی کودتا می‌کند و نظامی بر سر کار می‌آید آن نظام چند صباحی هست بعد هم می‌رود یا یکی دیگر از او تحویل می‌گیرد و همه چیز به حال اول بر می‌گردد؛ اما آنچه در ایران اتفاق افتاد مساله‌ی یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی است.» (خامنه‌ای، 1373/8/11). البته نتیجه‌ی این حرکت را جهان‌گشایی و تصرف ممالک دیگر ندانسته، که تجربه‌ی جمهوری اسلامی در چند ساله‌ی گذشته این را نشان می‌دهد. این خصلت ناشی از پیام جهانی است که در بطن انقلاب وجود دارد.

### 3-2-2. راه درمان بحران جامعه از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای: مرحله‌ی چهارم

مقام معظم رهبری نسخه عبور از مرحله دولت‌سازی و راه علاج مشکلات کشور را روی کار آمدن دولت جوان حزب‌اللهی می‌داند. و لذا در تبیین معنای حقیقی جوان و «دولت جوان و حزب‌اللهی» می‌فرماید: « مکرر گفته‌ام که به چنین دولتی معتقد و امیدوارم اما معنای این حرف صرفاً این نیست که یک جوان سی و چند ساله رئیس دولت باشد بلکه معنای دولت جوان و حزب‌اللهی یک دولت پای کار، آماده و با نشاط است که علاج مشکلات است و می‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور دهد. برخی در سنین بالا نیز به معنایی جوان و پیر تلاش و با نشاط هستند، مانند شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی که بیش‌تر از ۶۰ سال داشت اما اگر شهید نمی‌شد، او را تا ده سال دیگر نیز در همان مسئولیت حفظ می‌کردم.» (خامنه‌ای 1399/02/28)

آنچه ضرورت دولت جوان حزب‌اللهی را تأکید می‌کند، لزوم کارآمدی مسئولان است که این امر منوط به توانمندی آنان و داشتن روحیه و نشاط جوانی است. علاوه بر این، در عقیده نیز باید ملتزم به مردمی بودن و خدمت به مردم باشند که این مهم در صفت انقلابی نهفته است.

ثانیا با توجه به ضرورت بحث تحول در حوزه‌های مختلف حکمرانی و این که تحول آفرینی منوط به روحیه و نشاط جوانی و نیز روحیه‌ی انقلابی و تحول آفرینی است، لذا ضرورت تحول نیز دیگر موضوعی است که لزوم تشکیل دولت جوان حزب‌اللهی را تأکید و تشدید می‌کند.

بنابراین، دو ویژگی محوری جوان و حزب‌اللهی بودن، اساس چنین دولتی را تشکیل می‌دهند. باید دید چنین دولتی دارای چه شاخصه‌ها و معیارهایی است.

### شاخصه‌های دولت جوان:

در باره جوان بودن دولت، مناقشات زیادی شده است. رهبر حکیم انقلاب در پاسخ به کسانی که منظور از

جوان بودن را به سن تقویمی می‌دانند، فرمودند: «معنای این حرف صرفاً این نیست که یک جوان سی و چندساله رئیس دولت باشد بلکه معنای دولت جوان و حزب‌اللهی یک دولت پای‌کار، آماده و با نشاط است که علاج مشکلات است و می‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور دهد.» (خامنه‌ای، 1399/2/28). و در بزنگاه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی به جای بهانه تراشی برای فرار از مسئولیت، از تمامی ظرفیت‌های موجود کشور و محیط پیرامونی آن برای رفع موانع حرکت نظام جمهوری اسلامی به سمت اهداف مادی و معنوی خود، بهره می‌برد. ایشان شهید سلیمانی را مثال زدند که جوان نبودند، اما پر کار، موثر، حزب‌اللهی و جهادی بود و توانست به میزان بسیار زیادی برای کشور و جهان اسلام موثر باشد. بنابراین، در منطق سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای جوان‌گرایی در تقابل با شایسته سالاری نیست. نباید با تأکید بر جوان‌گرایی، شایستگان را حذف کرد و یا امور را به دست جوان کم‌تجربه‌تری سپرد که فاقد شایستگی و تخصص لازم برای پیش‌برد امور کلان کشور هستند. بدون تردید نگرش رهبری بر سپردن امور به جوانان شایسته و صاحب صلاحیت است.

بیانات رهبر انقلاب بیانگر این است که اگرچه ایشان بر عامل جوان‌گرایی تأکید دارند، اما هم‌زمان از شهید سلیمانی نیز نام می‌برند تا ثابت کنند صرفاً بر عامل سن تأکید ندارند بلکه موضوع مهم و اساسی برخورداری از روحیه جهادی، در میدان بودن، با نشاط بودن، پای‌کار بودن و ... است. سردار سلیمانی اگرچه فرمانده بود، اما در میدان نبرد جلوتر از سربازان حرکت می‌کرد، در زمان بحران‌ها و حوادث داخلی نیز ایشان شب و روز نمی‌شناختند و با تمام توان به کمک مردم در مانده می‌شتافتند. بنابراین شاخص مطلوب سنجش دولت جوان راه، رهبر حکیم انقلاب اسلامی چنین بر می‌شمارد:

### 1. امید، ابتکار و خستگی ناپذیری

رهبر حکیم انقلاب اسلامی، راه منحصر به فرد ایجاد تحول راه، جوان‌های نخبه می‌دانند و معتقدند «چون در جوان، هم فکر نو هست، هم {توانایی} یافتن شیوه‌های نو هست، هم نیرو و توان لازم هست، هم جرئت اقدام هست؛ این‌ها همه در جوان‌ها جمع است و خیلی مغتنم است؛ یعنی ابزار لازم برای یک حرکت تحولی همین‌هاست: فکر نو، ابتکار، جرئت حرکت، میل کامل به این حرکت. این‌ها از لوازم حتمی یک حرکت تحولی است و این هم در جوان‌ها وجود دارد، {لذا} بایستی برای یک چنین کاری دنبال جوان‌های نخبه رفت.» (خامنه‌ای، 1400/2/21).

«طبیعت جوان با عناصری همچون امید، ابتکار، صراحت، خطرپذیری و خستگی ناپذیری همراه است که همه این عناصر برای اداره جامعه، ضروری و ذی‌قیمت هستند و برخی از مشکلات کنونی هم ناشی از

فقدان برخی از این عناصر است.» (خامنه‌ای، 1399/2/28).

## 2. پرتلاش و با نشاط

دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس دولت جوان، آن هم مثلاً جوان ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان، [یعنی] یک دولت سر پا و بانشاط و آماده‌ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و از کار افتاده نباشد؛ منظور این است. بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوانند. «مکرر گفته‌ام که به چنین دولتی معتقد و امیدوارم، اما معنای این حرف صرفاً این نیست که یک جوان سی و چند ساله رئیس دولت باشد بلکه معنای دولت جوان و حزب‌اللهی یک دولت پای کار، آماده و با نشاط است که علاج مشکلات است و می‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور دهد.» (خامنه‌ای، 1399/2/28).

## 3. پیرانگیزه و با روحیه

«من معتقدم که کشور بایستی از ابتکارات جوان‌ها، از نشاط جوان‌ها، از روحیه کار و پُرانگیزه جوان‌ها حداکثر استفاده را بکند.» (خامنه‌ای، 1399/10/19). از نظر ایشان دولت جوان انقلابی فقط شامل وزرا نمی‌شود، بلکه «مجموعه وسیعی از صدها مدیر مؤثر و تعیین کننده است که همه این رده‌ها می‌تواند میزان جوانان مؤمن و انقلابی باشد که در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و اجرا حضور داشته باشند. به نظر من استفاده از جوانان مومن و انقلابی در بخش‌های مختلف مدیریتی امکانپذیر است به شرط آن که دولتی سرکار بیاید که مسئولان بالای آن، اطمینان و اعتقاد به جوانان داشته باشد، همان گونه که امام به جوانان اعتقاد داشت و کار را جلو برد. اگر چنین دولتی سر کار بیاید، مشکلات در مدت زمان معقولی قابل حل خواهند بود و زمینه تحقق آرمان‌ها نیز فراهم خواهد شد.» (خامنه‌ای، 1400/2/21).

### ج) شاخصه‌های حزب‌اللهی بودن:

دولت جوان حزب‌اللهی، تبلوری است از اسلام ناب و در نتیجه هر آنچه از لوازم اسلام ناب است، می‌باید در دولت جوان حزب‌اللهی به حقیقت پیوندد. بنابراین خصوصیات و ویژگی‌های دولت جوان حزب‌اللهی بر اساس منویات مقام معظم رهبری عبارتند از:

#### 1. وقف اهداف اسلام و انقلاب

«ارزش در ایمان، اطاعت از خدا و دلسوزی برای کشور و جامعه است. کسی که برای انقلاب و ملت دل می‌سوزاند و برای خود هیچ وظیفه‌ای جز خدمت به اسلام، انقلاب و کشور قائل نیست، حزب‌اللهی محسوب می‌شود.» (خامنه‌ای، 1369/8/1)

## 2. عمل جهادی و آمادگی انجام تکلیف الهی

«حزب‌اللهی بودن؛ یعنی آماده کار بودن برای انجام تکلیف الهی. این، یک ارزش است؛ یک ارزش انقلابی است. در نظام اسلامی، همه جا، کسی که دارای روحیه حزب‌اللهی است بر کسی که دارای روحیه حزب-اللهی نیست، ترجیح دارد. از جمله، یک مدیر حزب‌اللهی، یک استاد حزب‌اللهی، یک صاحب منصب حزب‌اللهی، یک فرمانده حزب‌اللهی، یک هنرمند حزب‌اللهی، یک نویسنده حزب‌اللهی.» (خامنه‌ای، 1371/5/7)

## 3. وابستگی به اسلام و انقلاب

«حزب‌اللهی؛ یعنی آن‌که در خدمت خداست و هیچ وابستگی تشکیلاتی سیاسی، جز وابستگی به انقلاب و اساس انقلاب - که اراده الهی است - ندارد.» (خامنه‌ای، 1369/8/1)

## 4. فداکاری، ایثار و آمادگی برای نقش آفرینی

«باید روحیه‌ی حزب‌اللهی، ایثار، آمادگی برای حضور در میدان‌های دشوار و فدا کردن منافع شخصی در مقابل منافع بزرگ و آرمانی جمعی، همواره در جامعه حفظ و ارج نهاده شود... رسیدن به هدف‌های بزرگ مادی و معنوی برای کشور، با حفظ روحیه از خود گذشتگی و ایثار در جامعه و عمق بخشیدن به آن امکان‌پذیر است.» (خامنه‌ای، 1379/9/10)

## 3. انگیزه حرکت در جهات دینی

«هر کس، ادنی ارتباطی با دستگاه حکومت دارد، باید از لحاظ تدبیر، برجسته‌تر باشد. دیانت او، در اعمال او، مشهودتر باشد. باید بتدریج به طرفی برویم که کارمندان دولت، مثال تقوا و پرهیزگاری و ورع شوند. این گونه باید باشد و می‌شود. نگوئیم: «نمی‌شود.» الان نگاه کنید: بعضی از این نهادهای انقلابی، مثل سپاه و جهاد و بعضی جاهای دیگر، کارمندان کارمندان دولتند و از مردم معمولی، متدبیرترند؛ پایین‌ترند؛ اهل نماز شبند. خیلی‌شان اهل توسلند، اهل توجّهند، اهل فداکاری در راه خدایند. نظام اسلامی، باید این گونه باشد. دیانت را در محیط کار خودتان زنده کنید. من به ارتشی‌ها هم این را گفتم؛ به ادارات هم این را عرض می‌کنم، به دانشگاهی‌ها از دانشجو و استاد هم این را گفتم. محیط را محیط دینی کنید.» (خامنه‌ای، 1372/5/7) «یک فرد فقط متدبیر را حزب‌اللهی نمی‌گویند؛ حزب‌اللهی آن کسی است که برای حرکت در جهات دینی انگیزه دارد.» (خامنه‌ای، 1369/10/4)

## 6. استفاده از دانش، اندیشه، ابتکار و تجربه در کنار توجه به ارزش‌ها

«حزب‌الله؛ یعنی کسی که هم از امکانات خداداد بهترین استفاده را می‌کند - از دانش استفاده می‌کند، از

خرد و اندیشه استفاده می‌کند، از نیروهای انسانی استفاده می‌کند، از ابتکار و تجربه استفاده می‌کند... و هم ارزش‌های انسانی و الهی را که اسلام به او آموخته است، گرامی می‌دارد و آن را مایه‌ی پیشرفت خود به حساب می‌آورد و به آن تکیه می‌کند و با آن سرافراز است.» (خامنه‌ای، 1376/7/5)

### 7. ایستادگی در برابر انحرافات

«همان حرکت حزب‌اللهی و همان پایبندی به اصول است که می‌تواند در مقابل انحراف‌ها و خطاهای فاحش دنیای امروز بایستد. هیچ چیز دیگر نمی‌تواند.» (خامنه‌ای، 1371/11/1)

### 8. تسلیم و خستگی ناپذیر

«من بارها گفته‌ام، الان هم تکرار می‌کنم، هر جا ما پیشرفت برجسته‌ای داشته‌ایم، به برکت نیروهای مؤمن، حزب‌اللهی و معتقد به این راه بوده؛ و آلاً کسانی که به این خط و این راه معتقد نیستند - هم از جهت ضعف ایمان، هم از جهت ضعف غیرت ملی - آنچه را که باید انجام دهند، نمی‌کنند؛ در مقابل فشارهای معمولی زندگی عقب نشینی می‌کنند و سپس در مقابل تطمیع و جلوه‌های جذاب ارائه شده از سوی دشمن، تسلیم می‌شوند، اما کسی که مؤمن است، تسلیم و خسته نمی‌شود. این، راه امام بزرگوار است.» (خامنه‌ای، 1384/3/1)

بی‌تردید تشکیل دولت جوان حزب‌اللهی با این شاخصه‌ها می‌تواند مشکلات کشور را حل کند و پیشرفت شایسته کشور را تحقق بخشد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر با این سؤال شروع شد که بحران زمان حاضر و پیامدهای آن چه بوده و آیت‌الله خامنه‌ای چه طرح و چشم‌اندازی را به عنوان راه برون‌رفت از بحران زمانه و جامعه، ارائه کرده است؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال، از الگوی اسپریگنز که روشی موثر در فهم اندیشه‌های سیاسی است، استفاده شد. در این الگو که به «نظریه بحران اسپریگنز» شهرت دارد، از منظر بحران و طی چهار مرحله، اندیشه‌های سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با این الگو، اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای از حالت انتزاعی و ذهنی خارج شده و در متن شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه قرار گرفت.

مرحله اول، مشاهده و شناخت بی‌نظمی و بحران جامعه است. آیت‌الله خامنه‌ای در این مرحله، بحران جامعه را عدم تحقق دولت اسلامی تشخیص داده است. دولت اسلامی به عنوان سومین مرحله از فرایند پنجگانه‌ی تحقق کامل انقلاب اسلامی، رسالت سنگینی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی دارد؛ زیرا این مهم یک



هدف میانی به شمار می‌آید که در صورت عدم توفیق در آن انقلاب اسلامی ابر خواهد ماند. در واقع انقلاب اسلامی بدون تشکیل دولت اسلامی مد نظر خود قادر نیست که به هدف کلان خود؛ یعنی تحقق تمدن اسلامی نائل شود. از این رو، ایشان در واکنش به این بحران، اقدام به نظریه‌پردازی نموده است. در مرحله دوم، به علل بی‌نظمی و بحران پرداخته می‌شود تا دلایل وضعیت نامطلوب و بحرانی جامعه مشخص گردد. از نگاه ایشان مهم‌ترین دلایل عدم تحقق دولت اسلامی به تجددگرایی افراطی، رواج سکولاریسم، فساد اداری و اجتماعی، سوء مدیریت مدیران جمهوری اسلامی، رونویسی محض از غرب و تکیه بر تئوری توسعه غربی، گسترش روحیه مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی و اشرافیت به ویژه در بدنه‌ی حاکمیت، رواج استفاده از رانت در تصدی‌گری‌های سیاسی و بهره‌مندی‌های اقتصادی، میدان‌داری بورکرات‌های غرب‌گرا در عرصه مدیریتی و... بر می‌گردد.

مرحله سوم در الگوی اسپریگنز به تصویر جامعه احیاء شده اختصاص دارد. نظریه‌پرداز با به کارگیری ذهن خود، تصویر یک جامعه درست و مرتب را ترسیم می‌کند که با واقعیت جامعه مربوط است. او با دیدن نابسامانی‌ها، طرحی ارائه می‌دهد که نابسامانی‌های جامعه رفع گردد. در این راستا، جامعه مطلوب که دستیابی و نیل به تمدن نوین اسلامی باشد به وسیله‌ی آیت‌الله خامنه‌ای ترسیم شده است.

و در نهایت فرد اندیشمند در مرحله چهارم، راه حل مشکلات جامعه خود را ارائه می‌دهد. او در این مرحله بین آنچه که هست و آنچه که باید باشید، ارتباط منطقی برقرار می‌کند و راه درمان درد جامعه خود را تجویز می‌نماید. در این مرحله نظریه‌پرداز باید ارزیابی دقیقی از افق امکانات جامعه خود داشته باشد و محدودیت‌هایی که از خارج بر تمهیدات بشری تحمیل می‌شود، در نظر بگیرد، تا طرحی عملی و قابل تحقق، ارائه دهد. آیت‌الله خامنه‌ای در این مرحله، راه حل بحران جامعه خود را اسقرار «دولت جوان حزب‌اللهی» بیان کرده است.

یکی از موضوعاتی که در این پژوهش، به آن پرداخته نشده و نیازمند یک پژوهش مستقلی است، نحوه روی کار آمدن «دولت جوان حزب‌اللهی» از منظر مقام معظم رهبری است که این موضوع به علاقمندان، جهت تکمیل مقاله حاضر، پیشنهاد می‌شود.

## کتاب‌نامه:

1. قرآن کریم
2. اسپرینگز، توماس، (1389)، فهم نظریه های سیاسی، ترجمه دکتر فرهنگ رجائی، تهران، نشر آگه.
3. شجاعی زند، علی رضا، (1376)، مشروعیت دینی و اقتدار سیاسی دین؛ تهران، تبیان.
4. غفاری قزوینی، احمد بن محمد، (1396)، تاریخ جهان آرا، تهران، اساطیر.
5. محمدی مزرعی، خدیجه و مهدی نادری، (1397)، علل ضرورت شکل گیری دولت اسلامی در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی بر اساس دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای، چهارمین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران.
6. میراحمدی، مریم، (1363)، دین و مذهب در عصر صفوی، تهران، امیرکبیر.
7. معاونت پژوهش و آموزش موسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، (1400)، بررسی مفهوم و ویژگی‌های دولت جوان حزب‌اللهی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
8. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با وزیر بهداشت و روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور 1369/8/1.
9. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و چندی از رؤسای دانشگاه‌های کشور 1369/10/4.
10. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از روحانیون 1371/5/7.
11. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام 1371/11/1.
12. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع مدیران و مسئولان آذربایجان شرقی 1372/5/7.
13. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در روز ملی مبارزه با استکبار 1373/8/11.
14. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از پاسداران 1373/10/15.
15. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) 1376/3/14.
16. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم مانور ذوالفقار 1376/7/5.
17. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1379/9/12.
18. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از پزشکان، پیراپزشکان و مدیران بهداری

- دوران دفاع مقدس 1379/9/10.
19. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت  
1380/6/5.
  20. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم اصفهان 1380/8/8.
  21. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان اصفهان 1380/8/12.
  22. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام 1380/9/21.
  23. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)  
1381/3/14.
  24. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان دستگاه قضایی 1381/4/5.
  25. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش  
1381/4/26.
  26. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه تهران 1381/9/1.
  27. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم زنجان 1382/7/21.
  28. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن مقدس رضوی 1383/1/2.
  29. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم ارتحال امام خمینی  
(ره) 1384/3/1.
  30. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم 1384/3/25.
  31. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و هیات وزیران 1384/6/8.
  32. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان کرمانشاه 1390/7/24.
  33. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی  
پیشرفت» 1395/2/6.
  34. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران 1396/6/6.
  35. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور  
1398/2/18.
  36. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی  
1399/2/28.

37. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام 19 دی  
1399/10/19.

38. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی  
1400/2/21.